

آقای پناهیان! حالا با افزایش آمارها و رسیدن به پیک ششم فهمیدید ماجرا چیست؟

اظهارات امثال پناهیان و منتهی شدن این وضع به افزایش مجدد آمار مبتلایان کرونا آیا پیش از هر چیز باعث مشروعیت‌زدایی از اعتقادات مذهبی و نهاد روحانیت نمی‌شود؟ امثال پناهیان که می‌گفتند «بالاخره باید بدانیم ماجرا چیست»، حالا با افزایش آمارها و رسیدن به پیک ششم فهمیدند ماجرا چیست؟ باز هم نیاز هست روی کرونا نگرفتن مردم در عراق بررسی علمی شود؟

به گزارش خبرنگاران جامعه گزارش خبر، امثال پناهیان که می‌گفتند «بالاخره باید بدانیم ماجرا چیست»، حالا با افزایش آمارها و رسیدن به پیک ششم کرونا فهمیدند ماجرا چیست؟ باز هم نیاز هست روی کرونا نگرفتن مردم در عراق بررسی علمی شود؟ آقای پناهیان بالاخره فهمیدید ماجرای کرونا چیست؟

روز شنبه زینی‌وند، استاندار کرمان، اظهاراتی درباره ابتلای زائران بازگشته از عراق مطرح کرد که با بازتاب رسانه‌ای و نگرانی‌های زیادی همراه شد. زینی‌وند، استاندار کرمان در نشست ستاد مدیریت کرونا گفته بود: «شب گذشته تنها پرواز مستقیم عراق - کرمان بازگشت و نتیجه تست کرونا زائران اربعین نگران‌کننده بود؛ زیرا تعداد جالب‌توجهی از مسافران با تست مثبت بازگشتند!» او با استناد به همین مسئله افزوده بود: «تعطیلی‌های اخیر و بازگشت زائران اربعین برای ما زنگ خطری برای افزایش شیوع کرونا است.» ساعاتی بعد هم پیمان صابریان، رئیس کمیته بهداشت و درمان اربعین اطلاعات دقیق‌تری درباره موضوعی که مورد اشاره زینی‌وند بود ارائه کرد. به گفته او، «از ۱۳۷ مسافر بازگشته از عراق به کرمان برای ۱۲۷ نفر آنها تست سریع کرونا انجام گرفت که از این تعداد ۲۷ نفرشان دارای تست مثبت کرونا بودند البته ده نفر از مسافران نیز راضی به انجام تست نشدند.» این یعنی آنکه ۲۰٪ مسافران یادشده در بدو ورود به صورت قطعی مبتلا به کرونا بودند.

تا همین‌جا موضوع کاملاً نگران‌کننده است، اما باید گفت تمام مسئله این نیست؛ زیرا تست سریع یا هم تست‌های آنتی‌ژن درصد بالایی از خطای منفی کاذب دارند و در عین حال زمان ایده‌آل انجام آنها ۵ تا ۷ روز پس از بروز علائم است. یعنی اگر زائران اربعین در عراق مبتلا به کرونا شده باشد احتمالاً درصد زیادی از آنها چند روز بعد از بازگشت به این مرحله خواهند رسید. همین هم باعث ایجاد این نگرانی می‌شود که احتمالاً درصد زائران مبتلا به کرونا در اربعین بیش از اینها بوده باشد.

ماجرای کرونا و مراسم اربعین امسال از چندی قبل خبرساز شده بود؛ از ماجرای افزایش سهمیه ایران از سی به شصت هزار نفر و نهایتاً سفر عده بیشتری به عراق و اتفاقات نقطه مرزی تا اظهارات ضدونقیضی درباره نحوه آزمایش کرونا از زائران ایرانی بازگشتی از عراق. موضوعی که با سخنان رستم قاسمی مبنی بر انجام «تست چشمی» جنجالی‌تر هم شد و حاشیه‌های زیادی در پی داشت.

اینها در شرایطی بود که اگر دانشگاه‌های علوم پزشکی کشور در مقطع نیمه پایانی شهریور ماه نسبت به شیوع پیک ششم کرونا در اثر عدم رعایت پروتکل‌ها در مراسم اربعین و همین‌طور سفر به عراق هشدار داده بود. قبل از آن در پایان مرداد ماه مصطفی معین، رئیس شورای عالی نظام پزشکی همین هشدار را درباره برگزاری مراسم مذهبی و شروع پیک ششم کرونا داده بود.

اما در این مقطع شاید حاشیه‌سازترین مسائل در ارتباط با کرونا و اربعین به اظهارنظرهای برخی از چهره‌های مذهبی برمی‌گشت. آنها کسانی بودند که اصرار داشتند کرونا راهی به مراسم مذهبی چون اربعین ندارد و یا اینکه شیوع آن در این مراسم به مراتب کمتر از دیگر موقعیت‌ها است. در رأس آنها علیرضا پناهیان در هفته اول مهر ماه حاشیه‌ساز شد.

او در شامگاه روز ۵ مهر ماه در یک برنامه زنده تلویزیونی مدعی شد که «انشاءالله همان‌طور که برخی علائمش موجود است، کل ماجرای کرونا یک سوءتفاهم بزرگ باشد. اگر این‌طور باشد آنها که افکارعمومی جهان را اداره می‌کنند چقدر هوشمندانه تدبیر کرده‌اند که توانسته‌اند چنین اشتباه بزرگی را جا بیندازند.»

این سخنان انتقادات بسیار وسیعی حتی از طرفدار برخی هم‌فکران سیاسی او به همراه داشت. اما پناهیان یک شب بعد یعنی در ۶ مهر ماه توضیحات دیگری به این سخنان اضافه کرد که حتی قدری عجیب‌تر هم به نظر می‌رسید. او تأکید داشت که «من گفتم ماجرای کرونا سوءتفاهم است نه خود کرونا؛ یعنی بحث‌هایی که درباره پروتکل‌های کرونا، روش‌های درمان و پرهیز کرونا است که در طول این دو سال توسط ستاد کرونا تغییراتی کرده.» او سپس اینگونه مدعی شد که کرونا در میان مردم عراق و کربلا کمتر است: «WHO برای کرونا ماجرا تعریف کرده» و «پروتکل‌های کرونا یک امر تجربی است.»

وی افزود: «این سؤال علمی هست که چرا اینجا (عراق) مردم کمتر کرونا می‌گیرند و شما (تلویزیون) هم نشان دادید که مردم چطور تجمع می‌کنند. حالا ستاد کرونا جواب ندهد اما این سؤال هست. خیلی‌ها منتظرند این زائران اربعین برگردند و آمارها را چک کنند. عیب ندارد چک کنند و ما هم دعا می‌کنیم.» او با اشاره به آمارهای پایین ابتلا در کشورها گفت «ما نمی‌توانیم چشم‌مان را بر روی آمار عراق و افغانستان بندیم. یا حتی چین، آنها گفته‌اند ما از طب سنتی بهره گرفتیم.»

آقای عین‌اللهی باید جواب دهند برای بررسی کرونا در کربلا و اربعین چه کردند. ما می‌خواهیم ببینیم آیا مردم اینجا ژن متفاوتی دارند؟ چایی عراقی اثر دارد؟ هوا اینجا طور دیگری است؟ ماهی‌های اینجا ویتامین خاصی دارند؟ آفتاب‌گیری بیشتری دارند؟ بالاخره باید بدانیم ماجرا چیست؟ برای پیشرفت علم هم خوب است.»

حالا کمتر از یک هفته پس از این سخنان که علیرضا پناهیان در آن از «آمار» می‌گفت، تنها آمار مبتلایان یکی از پروازها زنگ خطر را به صدا درآورده؛ آن هم در شرایطی که روز ۴ مهر ماه غلامرضا جلالی، رئیس سازمان پدافند غیرعامل نسبت به امکان بروز موج جدید پاندمی در کشور هشدار داد و تنها یک روز بعد علیرضا زالی، فرمانده عملیات ستاد مقابله با کرونا استان تهران نیز از افزایشی شدن دوباره آمار در پایتخت خبر داد و گفت این رشد در شاخص سرپایی و بستری‌ها دیده شده و می‌تواند به عنوان «زنگ خطری» باشد.

در همان مقطع نرگس جعفری، مدیر گروه سلامت محیط و کار مرکز بهداشت قم نیز هشدار داد که برپایی دسته‌های عزاداری بدون رعایت فاصله اجتماعی و دستورالعمل‌های بهداشتی، احتمال خیز ششم کرونا را در این استان افزایش داده. هشدار که مسئولان باقی استان‌های کشور هم مطرح

می‌کردند.

با این شرایط سخنان و ادعاهای افرادی چون علیرضا پناهیان در مقابل فهرستی از آمارهای واقعی قرار دارند. در شرایطی که قبل از آن هم هشدارهای بسیاری درباره رسیدن به این وضع داده شده بود.

با این اوصاف یک سؤال تکراری اما همچنان مهم مطرح است؛ اظهارات امثال پناهیان و منتهی شدن این وضع به افزایش مجدد آمار مبتلایان کرونا آیا پیش از هر چیز باعث مشروعیت‌زدایی از اعتقادات مذهبی و نهاد روحانیت نمی‌شود؟ امثال پناهیان که می‌گفتند «بالاخره باید بدانیم ماجرا چیست»، حالا با افزایش آمارها و رسیدن به پیک ششم فهمیدند ماجرا چیست؟ باز هم نیاز هست روی کرونا نگرفتن مردم در عراق بررسی علمی شود؟